داکتر سیدخلیل الله هاشمیان
سابق استاد پوهنځی ادبیات
و مدیرمسؤول مجله آئینه افغانستان در کلفورنیا

۲٤/۰۱/۲۰۱۷

آقای سدید خود را جامع الکمالات میخواند!

من قبول دارم که آقای سدید یک نویسنده است، اما نقطهٔ ضعیف و قابل اصلاح در اطوار او اینست که خود را جامع الکمالات میخواند و متاسفانه در سن و سالی قرار دارد که این خصلت نامیمون را ترک داده نمیتواند. آقای سدید در مقالهٔ مورخ ۱۰ جنوری خود این طالب العلم را در چند باب مورد سوال قرارداده که با تخفیف تکلیف نمونیا اینک به جواب شان حاضر شده ام.

خلص سابقهٔ موضوع ازینقرار است که یک سلسله مقالات در سه بخش تحت عنوان **"من آنچه شرط بلاغ است با تو میگویم"** به قلم آقای سدید به تاریخ ۲۰۱٦/۱۲/۲٦ آغاز شده و مجموعا در ۱٦صفحه طفل نوزادی مانند آقای انجنیر قیس کبیر را کافی پند و اندرز داده بود .آقای سدید در اولین بخش این مقالات مقبولیت کلمهٔ (دانشگاه) را مطرح ساخته و شکایت خود را در مورد کلمهٔ پوهنتون با این کلمات بیان نمود: "شکی نیست که من به اعضای پشتو تولنهٔ وقت که تنها کلمهٔ "پوهنتون" را انتخاب و اختیار کردند ایراد گرفته ام..."، و در ادامهٔ آن بحث (دانشگاه و پوهنتون)هر دو را معادل شناخته، و اما ترکیب "گاه" را که یک جزء کلمهٔ (دانشگاه) میباشد، (اسم) شناخته و کلمهٔ (دانشگاه) را متشکل از دو اسم (دانش + گاه) معرفی کرده، ترکیب (گاه) را هم (اسم مکان) و هم به معنی (عصر، زمان) به حیث (اسم زمان) معرفی کرده بود. این توضیحات و مدعیات آقای سدید در مقالهٔ مورخ ۱۲/۲٦/ ۱٦ او درین پورتال نشر شده است.

مدعیات آقای سدید از نظر زبانشناسی، شعبهٔ نحو و دستور زبان دری، غلط فاحش است، بنا بران من به اقتضای مکلفیت مسلکی خود به تاریخ ۷ جنوری ۲۰۱۷ بدون ذکر نام یا مقالهٔ کسی، این غلط فاحش دستوری را در دو صفحه تصحیح و توضیح کردم. اما آقای سدید که از اصول و موازین علم زبانشناسی به استثنی چند نام و عنوان چیزی نمیفهمد، زیرا درین رشته تحصیل نکرده، از تصحیح یک غلطی فاحش مشتعل شده در مقالهٔ مورخ ۱۰جنوری ۲۰۱۷خود توضیحات قبلی مرا که گفته بودم ترکیب (گاه) در دستور زبان دری اسم شناخته نشده، بلکه تنها به حیث پسوند مکان شناخته شده است، رد نموده و استدلال مرا "ایراد گیری های بی بنیاد..." خوانده است. دستور زبان که به شعبهٔ نحو تعلق دارد و یک علم قبول شدهٔ ساینتفیک میباشد، آقای سدید علم مثبته را با تصورات خودش که به سفسطه می انجامد، قضاوت میکند، قناعت دادن او مشکل است. موصوف غلطی های سابق خود را تکرار کرده، این بار ترکیب (گاه) را با اصرار (اسم) و هم آنرا (پسوند)خوانده و به طور مشخص از من میپرسد که:

"آیا شما قبول دارید که لغت (گاه) اسم است یا نه؟ همچنین آیا قبول دارید که لغت (دانش) نیز اسم است یا نه؟"

سوال فوق آقای سدید، که مبتنی بر لجاجت و نادانی او از موازین علم دستور زبان دری میباشد، اینک توسط یک زبانشناس و استاد سابق همین رشته در پوهنتون کابل که مدت هفت سال نیز در دو پوهنتون امریکا در کلیفورنیا تدریس کرده، ارائه میشود:

ترکیب (گاه) هیچوقت در دستور زبان دری به حیث (اسم) شناخته نشده، بلکه به حیث پسوند مکان شناخته و تعریف شده است. کلمهٔ (دانش) به حیث اسم شناخته شده و ترکیب (دانشگاه) از نگاه دستور زبان دری یک کلمهٔ مرکب است متشکل از یک (اسم) و یک (پسوند) و آن پسوند (گاه) را دستور زبان دری (پسوند مکان) تشخیص کرده است.

نکتهٔ دیگر انتقاد آقای سدید بالای تعریف (اسم) است که در کتاب **(دستور معاصر زبان دری)** تالیف مرحوم پوهاند نسیم نگهت، چاپ پوهنتون کابل سال ۱۳٤۸- ۱۹۵۹ قرار ذیل درج میباشد و در مقالهٔ قبلی من عینا اقتباس شده بود:

"اسم از نگاه معنی نام اشخاص، جاها، چیزها و مفهوم هاست. اسم از رهگذر ساخت و معنی به دو بخش تقسیم میشود: از نظر ساخت کلمه، سه نوع است: ساده، مشتق، مرکب... (و هر کدام آن با مثالها در ۱۲ صفحه تعریف شده است).وجهٔ مشخصهٔ اسم آنست که بشکل نام یا ضمیر در جمله، در موقف فاعل قرار گرفته میتواند."(صفحات ۵۲ تا ٦٤).

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولـئ

از کتاب "روشی جدید در تحقیق دستور زبان دری" تالیف مرحوم پوهاند محمد رحیم الهام، چاپ پوهنتون کابل، سال ۱۳٤۹-۱۹٦۰:

"اسمیه ها در جملهٔ مورفیم های آزاد به گروه های اسم و صفت، ضمیر و مورفیم های شمار تقسیم میشود: اسم در زبان دری واجد خصوصیات ذیل است: واجد جنبه های عام و خاص و عدد میباشد (مفرد و جمع)، پسوند و پیشوند می پذیرد، به حیث ضمیر استعمال میشود..." (تفصیلات در صفحات ٦٥-۱۰۹).

(هاشمیان دو کتاب فوق را تا به رتبهٔ پوهنمل مدت ۱۰ سال، قبل از تحصیل در امریکا، در صنوف اول تدریس کرده است).

آقای سدید از دماغ خود که با موازین دستور زبان دری چندان آشنا نمیباشد، یک جملهٔ مدغم دور و دراز ساخته که در آن میر محمد شریف (به حیث فاعل) و احمد (به حیث مفعول) قرار گرفته، و به اساس این جملهٔ مختلط و مدغم ساخت خودش، ادعای فوق پوهاند نگهت را ناقص و غیر قابل قبول میداند. جای تاسف است که آقای سدید تعریف علمی فوق را درست نفهمیده و تحلیل نتوانسته، چونکه با موازین دستور زبان دری آشنایی کافی ندارد. آقای سدید قصداً خود را گول میزند و متن تعریف را ناخوانده و نافهمیده میگوید تعریف پوهاند نگهت به خاطری غلط است که در جملهٔ ساخت خودش نام (احمد) به حیث مفعول قرار گرفته- اما در تعریف نگهت گفته شده که "...اسم به شکل نام یا ضمیر در موقف فاعل قرار گرفته میتواند." تکرار توضیح میشود اینکه احمد "نام" است، دیگر اینکه فقرهٔ " قرار گرفته میتواند" معنی قطعیت و انحصاری را ندارد، یعنی نگهت نگفته که اسم در جمله تنها و فقط به حیث فاعل قرار میگیرد، بلکه دو نام و دو اسم در یک جمله به حیث فاعل و هم مفعول قرار گرفته میتوانند، چنانکه این وضع در جملهٔ ساخت آقای سدید به مشاهده میرسد. این موضوع یعنی موجودیت دو نام یا دو اسم در یک جمله، یا به حیث دو فاعل، مثلا (شریف رفت و احمد آمد) و یا به حیث فاعل و مفعول، مثلا "شریف به فرق احمد زد" قرار گرفته میتواند، و قرار گرفتن چنین موقف های (اسم) در جمله، از جملهٔ الفبای دستور زبان دری است. (جملهٔ مختلط و مدغم ساخت آقای سدید در اخیر این مقال عینا نقل و تشریح میشود).

نکتهٔ بسیار مهم و جالب که بار اول از قلم یک افغان تراوش کرده و بیانگر خصلت دایمی آقای سدید است، همانا ایمان و اتکای او به و لینعمتان ایرانی او، آقایان محمد معین و دهخدا، میباشد، که از آثار آنها چند مثال در رد تعریف پوهاند نگهت اقتباس کرده است. آقای سدید پوهاند و دانشمند افغان و کتاب او را ناآگاه و بیمقدار شناخته و میگوید:" میخواهم قبل از اینکه نظر خود را در باب گفته های فوق آقای نگهت سعیدی که طرف تائید هاشمیان هستند، بنویسم، یا هر کس دیگری که هستند، از مرجع معتبرتر و طرف تائید خود چند سند مبنی بر اسم بودن کلمهٔ (گاه) را بشکل نمونه ارائه کنم."

از قول محمد معین:" گاه (۱) زمان، وقت، عصر، دوره و...: (غلط است-هاشمیان)

"به صورت پسوند زمان استعمال شود: خورد نگاه، رزمگاه." (غلط است–هاشمیان).

به دانش و بینش محمد معین تعجب کردم که "خوردنگاه"، موضع یا محل خوردن را و هم "رزمگاه"، موضع یا محل جنگ را، که هر دو به طور قطع اسم مکان میباشند، و (گاه) هم در هر دو مثال پسوند مکان است، آنرا پسوند زمان خوانده است.

از قول دهخدا، از جلد یازدهم لغت نامهٔ ۱٤ جلدی دهخدا:

" گاه (۱) سریر... جا- جای-مکان- مسند...مقام" (درست است- هاشمیان).

"گاه (پسوند) این مزید به بعضی کلمات ملحق شود و معنی زمان دهد. "(پسوند بودن گاه درست است، اما معنی زمان آن (بکلی غلط است –هاشمیان).

"گاه (۱)عصر، دوره، زمان، فصل، موسم" (بکلی غلط است –هاشمیان).

"گاه (پسوند) زمانی به کلمهٔ (فارسی و عربی) پیوندد و معنی مکان و جای دهد." (درست است –هاشمیان).

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولـئ

(اقوال فوق محمد معین و دهخدا عینا از مقالهٔ مورخ ۱۰ جنوری آقای سدید اقتباس شده اند).

خوب شد که آقای سدید از ولینعمتان ایرانی خود که زبان شناسان "قرن فرنی" بودند و اسم را از پسوند تشخیص نتوانسته به زیر خاک رفته و آثار ناقص از خود به جا گذاشته اند، مثالها و نمونه هایی قطار کرده که من نقل و اقتباس اقوال فوق را از زاویهٔ علم زبانشناسی ننگ و عار میدانم. لهذا بحث بیشتر را در زمینه لازم نمیدانم، چونکه آقای سدید به دانش ناقص ولینعمتان ایرانی خود ایمان دارد، و در صورتیکه محمد معین و دهخدا ترکیب (گاه) را اسم خوانده باشند، آنها در امتحان مبادی دستور زبان دری/فارسی ناکام میباشند، زیرا:

۱) محمد معین و دهخدا و شاگرد افغان شان ترکیب (گاه=/gaah/) را که ارزش صوتی آن (/گ/ + /آ/+/ه/ {هه هوز}) میباشد، و در دستور زبان دری/فارسی به حیث پسوند شناخته شده، نه تنها اسم مکان، بلکه درعین زمان (به معنی عصر، زمان، دوره، عصر) به حیث اسم زمان نیز شناخته اند، در حالیکه هیچیک از دستور های معاصر زبان دری در افغانستان (و شاید هم دستور هائیکه توسط زبان شناسان معاصر در ایران تالیف شده باشند، ترکیب (گاه)را اسم نشناخته و اسم تعریف نکرده باشند، که اگر کرده باشند اشتباه کرده اند، زیرا /گاه/ فقط و تنها پسوند مکان میباشد، نه اسم.

۲) محمد معین و دهخدا و خانلری زبان شناسان دوران خود بودند، و بیشتر تحت تاثیر دستور و صرف زبان عربی قرار داشته، ارزش صوتی کلمات دری را در نظر نگرفته، راجع به رول و موقف دستوری کلمات قضاوت میکرده اند. مثلا آنها کلمهٔ (گه=/gah/) را که ارزش صوتی آن (/گ/+/ واول فتحه/ + /ه/ {هه هوز}) میباشد، و اسم زمان است،(گاه= /gaah/) می نوشتند و آنرا به غلط اسم مکان و همچنین اسم زمان میخواندند. این زبان شناسان قدیمی هر یک به نوبهٔ خود خدماتی انجام داده و آثاری به جا گذاشته اند- مرحوم ملک الشعراء افغان استاد بیتاب برای زبان دری که در آنوقت (فارسی) نامیده میشد، دستوری به اساس معاییر دستور زبان عربی تالیف کرده بودند که در اوایل تاسیس پوهنځی ادبیات چند دوره در آنجا تدریس میشد. این قصور در ایران و افغانستان به خاطری رخ داده بود که علم معاصر زبانشناسی در وسط دههٔ ۱۹۶۰ در ایران و در اخیر آن دهه به افغانستان رسیده بود- به اساس موازین این علم، بار اول در افغانستان به ساختمان صوتی کلمات تدقیق صورت گرفت. بعد از آن، یعنی بعد از سال ۱۳۴۸ شمسی (۱۹۶۰م) بود که دستور های زبان دری به اساس واقعیت های صوتی و ساختمانی کلمات زبان تالیف و توسط پوهنتون کابل چاپ شده اند.

اکنون که ما به کوتاه بینی و اشتباه زبان شناسان قدیمی ملتفت میشویم، باید واقعیت را بگوئیم و بپذیریم .من آقای سدید را مقصر نمی شناسم، زیرا او زبانشناس نی، بلکه مقلد است و هرچه در آثار محمد معین و دهخدا دیده بدون سنجش به آن باور کرده و آنرا به حیث سند نقل و ارائه کرده است. چند مثال (گه=/ gah/) به حیث اسم زمان را قبلا نوشته بودم و اینک تکرار میکنم :

در مسیر زندگی "گه" خوب "گه" خراب پدید آید—احمد "گه" به در میزند "گه" به دیوار

محمود "گه" به من مینگریست "گه" به تصویرم—این طیاره "گه" پخش "گه" بلند میشود

در زمستان "گه" باران "گه" برف میبارد- سرک سالنگ "گه" باز "گه" بسته میباشد

نویسندگان و شاعران افغان بعضا فونیم یا صوت /ی/ را به اسم زمان /گه/ اضافه کرده آنرا (گهی) مینویسند، این اضافت صوتی هیچ تغییری در معنی کلمه وارد نمی سازد، بلکه یک تعادل مورفوفونیمیک (صرفی/ صوتی) به وجود می آورد که در همه زبانها رایج است، و مثال دیگری هم در زبان دری داریم که کلمهٔ نفی **(نه=/ن/+/ه/ {هه هوز})** به **(نی= /ن/+/ی/=/ nai/)** تبدیل میشود.

من به اساس علمی که آنرا زبانشناسی میگویند و به حیث یک علم مثبته و شعبه ای از علم بشرشناسی قبول شده و من مدت هفت سال این علم را در یک پوهنتون معروف امریکا تحصیل کرده ام، آنچه در مورد پسوند (گاه) و اسم زمان "گه" لازمهٔ گفتن بود، با قبول مسؤولیت، گفته ام- سفارش من اینست که افغانها اسم زمان "گه" را (گاه) مینویسند که پسوند مکان است، این عادت را تغییر دهند و بین پسوند (گاه) و اسم زمان (گه) فرق و تشخیص قایل شوند. اینست یک واقعیت صوتی و ساختمانی زبان دری که تا حال مورد توجه قرار نگرفته است.

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولـئ

از جناب آقای سدید تقاضا میدارم این مقالهٔ مرا نزد زبان شناسان ایرانی و افغانی (منجمله جناب استاد اسحق نگارگر که زبانشناس مسلکی میباشند و جناب آقای خلیل الله معروفی که به زبانهای دری و عربی مسلط و هم در علم صرف زبان عربی دسترس کافی دارند و هر دو در اروپا میباشند) و سایر زبان شناسان، به قضاوت بگذارند و منتظر قضاوت کسانی باشند که مسایل مربوط به صرف و نحو زبان را از طریق معیار های علم زبانشناسی بررسی میکنند، نه از طریق فلسفه .

یک جمله ای که آقای سدید به حیث نمونه در رد تعریف جمله توسط پوهاند نگهت ارائه کرده، ازین قرار است- قسمتی از تعریف نگهت اینست: "وجه مشخصهٔ اسم آنست که به حیث نام یا ضمیر در جمله در موقف فاعل قرار گرفته میتواند."

"میر محمد شریف، ملای مسجد گذر، با اعصایش محکم به فرق احمد دراز، که باعث اذیت مرد نابینا و فقیری شده بود، زد."

تشریح معانی شامل جملهٔ مختلط و مدغم فوق الذکر آقای سدید:

میر محمد شریف ملای مسجد گذر بود- میر محمد صدیق احمد را با عصایش زد – میر محمد صدیق به فرق احمد زد- ...محکم زد - احمد دراز بود- احمد باعث اذیت مردی شده بود- مردی که نابینا و فقیر بود.

در جملهٔ فوق میر محمد شریف فاعل زدن احمد و احمد مفعول فعل زدن است – در همین جمله: احمد فاعل اذیت مرد نابینا و مرد نابینا مفعول فعل اذیت است- گویا درین جمله سه اسم (سه نام: شریف ،احمد، مرد نابینا) وجود دارند که قرار تعریف نگهت هر کدام این سه اسم (نام) به حیث فاعل یا مفعول فعل در جمله قرار گرفته میتواند. در جمله ای که سدید نوشته مفعول (احمد) بار دیگر فاعل یک فعل قرار گرفته است.

با عرض احترام – سید خلیل الله هاشمیان – ۲٤ جنوری ۲۰۱۷

پایان

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولـئ